

بررسی حجیت آزمایش دی ان ای (DNA) در نفی نسب

اعظم پيله^۱، سید علی علوی قزوینی^{۲*}، علی رضیئی^۳

۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران

۲. عضو هیئت علمی پردیس فارابی دانشگاه تهران

۳. کارشناسی ارشد علوم سلولی مولکولی دانشگاه جامع امام حسین (ع)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۸؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۲/۲/۱۷)

چکیده

بی‌گمان شارع و قانون‌گذار نسبت به حفظ نسب اشخاص اهتمام ویژه‌ای داشته است، تا جایی که در فقه امامیه از ضعیف‌ترین ادله مانند قرعه نیز در موارد معینی برای اثبات نسب کمک گرفته شده است. بدین ترتیب ارزش و اعتبار روش‌های دقیق علمی همچون آزمایش دی ان ای در اثبات نسب روشن و آشکار است، ولی نکته قابل تأمل اعتبارسنجی چنین روش‌هایی در زمینه نفی نسب است؛ چرا که شارع مقدس بر مبنای فلسفه حفظ و ثبات نظام خانواده، نسبت به نفی نسب و راه‌های اعمال آن سختگیری و دقت ویژه‌ای اعمال کرده است. پژوهش حاضر به تحقیق درباره این مهم پرداخته است که با توجه به حصری بودن راه نفی نسب به لعان، اطمینان حاصل از آزمایش دی ان ای در نفی نسب به لحاظ شرعی و قانونی فاقد اعتبار و حجیت است.

واژگان کلیدی

نفی نسب، دی ان ای، اماره فراش، لعان.

مقدمه

مسئله احراز و اثبات نسب از مهم‌ترین و حساس‌ترین مسائل در فقه و حقوق اسلامی است و با توجه اهمیت آن در حفظ نظام خانواده و ثبات نسل‌ها، اهتمام شارع و قانون‌گذار همواره بر حفظ آن در سایه تقنین بوده است. از این رو فقه امامیه و به تبع آن قانون مدنی در مورد اثبات نسب پدری که به دلیل پنهانی بودن منشأ، به مراتب دشوارتر از نسب مادری است، قاعده فراش^۱ را اماره‌ای قانونی برای اثبات نسب در نظر گرفته است و در فرض عدم امکان استناد به آن، به ادله دیگری چون اقرار و شهادت تمسک جسته است و در فرض نبودن دلایل قوی‌تر به لحاظ کشف واقع، ضعیف‌ترین ادله، از جمله قرعه را ملاک قرار داده است. با عنایت به این امر، نفی نسب از منظر قانون‌گذار با حساسیت بیشتری مورد توجه است. پس قانون‌گذار در مورد راه‌های نفی نسب در مقایسه با راه‌های اثبات آن، سختگیری خاصی را مقرر داشته است. در کتاب‌های فقهی نفی ولد در ذیل احکام اولاد و نیز در کتاب لعان مورد بررسی قرار گرفته است. در قانون مدنی ایران مبحث مستقلى تحت عنوان نفی ولد وجود ندارد، بلکه در چند ماده، ذیل بحث نسب در کتاب اولاد به این بحث پرداخته شده است و با استناد به مواد ۱۰۵۲، ۸۸۲ و ۸۸۳ می‌توان گفت قانون مدنی لعان^۲ را به عنوان راهی برای نفی ولد پذیرفته است.

۱. بر طبق این اماره قانونی، طفل متولد در زمان زوجیت با شرایطی به شوهر ملحق می‌شود (ماده ۱۱۵۸ ق.م).
 ۲. لعان بر وزن فعال، به معنای سوگند و نفرین و از ریشه لعن (نفرین کردن، لعنت کردن، راندن و دور کردن) است (آذرنوش، ۱۳۸۸: ۶۲۰) و در اصطلاح حقوق اسلام، مباحثه خاصی بین زن و شوهر است که با الفاظ و شرایط مخصوصی در نزد حاکم انجام می‌شود و اثر آن رفع حد قذف و یا نفی ولد است (مغنیه، ۱۴۲۵: ۵۸؛ حلی، ۱۴۲۵: ۶۹-۷۰؛ بروجردی، ۱۳۸۳: ۲۲۱) برای توضیح بیشتر در زمینه اسباب و شرایط و آثار لعان ر.ک: پیله، ۱۳۹۰: ۱۰۶-۱۰۴.

از سوی دیگر، امروزه قابلیت استفاده از دستاوردهای مهندسی ژنتیک و روش‌هایی چون انگشت‌نگاری ژنتیک^۱ در تشخیص هویت افراد، کشف حقایق باستان‌شناسی، تعیین جنسیت و به ویژه بررسی رابطه نسبی بین افراد به لحاظ کشف واقع امری مسلم و غیرقابل انکار است تا جایی که مورد توجه و گاه پذیرش کشورهای بسیاری قرار گرفته است. بر مبنای اعتبار ذاتی قطع و اطمینان عرفی، حجیت این آزمایش‌ها در اثبات نسب شرعی و قانونی قابل پذیرش است (پبله، ۱۳۹۰: ۱۵۳-۱۳۸)؛ با این وصف، پرسشی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که آیا روش‌های مزبور در نفی نسب نیز می‌تواند به لحاظ قانونی و شرعی مورد پذیرش قرار گیرد یا خیر؟ به سخن دیگر، آیا با وجود تحقق اماره فراش می‌توان قائل به حجیت این آزمایش در نفی نسب و در نتیجه تقدم آن بر لعان شد یا خیر؟ با توجه به پویایی فقه، بررسی امکان یا عدم امکان استناد به چنین راه‌هایی به لحاظ شرعی با تکیه بر مبانی فقهی و اصولی و اهداف قانونی جهت روشن شدن پاسخ این پرسش‌های، ضروری است تا سازگاری یا عدم آن با مبانی فقهی روشن، و محدوده کاربرد آنها به لحاظ شرعی و قانونی مشخص گردد.

در این راستا برای حفظ سیر منطقی بحث و یافتن نتیجه مطلوب، پرداختن به توضیحاتی در زمینه نفی نسب و راه‌های آن در فقه و حقوق و کارایی و میزان قطعیت آزمایش دی ان ای و روش‌های انجام آن در نفی نسب به لحاظ ژنتیکی ضروری است تا سپس با توجه به ادله فقهی بر پایه دیدگاه‌های حقوق‌دانان و فقها و تحلیل آنها مشخص کنیم که آیا نسب شرعی از این راه نیز قابل نفی است یا خیر؟

۱. نفی نسب

نفی نسب انکار رابطه و قرابت نسبی است که ظاهراً بین دو فرد وجود دارد؛ اعم از اینکه قرابت در خط مستقیم باشد یا اطراف که شامل قرابت پدر- فرزند، یا خواهر- برادری و غیره می‌باشد. نفی نسب به وسیله پدر (انکار فرزند از سوی پدر، در موردی که طبق ظاهر اماره فراش، فرزند به او ملحق می‌باشد) را اصطلاحاً نفی ولد گویند که معمولاً از طریق اثبات خلاف

1. DNA Typing.

اماره فراش تحقق می‌یابد (صفایی، ۱۳۸۴: ۲۹۱) و موضوع اصلی این مقاله است و سایر اقسام آن محل بحث نیست. پس در این پژوهش هر جا نفی نسب آمده منظور همان نفی ولد است. با توجه به پیامدهایی که نفی ولد به دنبال دارد، از جمله اینکه اساساً ارتباط طفل با پدر قطع شده و معمولاً مادر طفل با این عمل در مظان اتهام قرار می‌گیرد، مسئله‌ای بسیار حساس و ظریف است. از این رو بر خلاف اثبات آن، نگاه فقه امامیه به این موضوع نگاهی حصرگرا، محدود و محتاط است. در مورد اثبات نسب شارع از هر دلیلی برای پیوند فرزند به خانواده و حفظ نسب استفاده می‌کند، اما در مسئله نفی با احتیاط بیشتری عمل کرده است. به سخن دیگر، در فقه امامیه جز به قطع و یقین نمی‌توان اقدام به لعان و نفی ولد نمود؛ در حالی که اکثر دلایل اثبات نسب از ظنون معتبر هستند. با این توضیح، فقهای امامیه مسئله نفی ولد را در دو فرض مورد بحث قرار داده‌اند؛ فرض اول در صورت تحقق کامل شرایط اماره فراش و فرض دوم در صورت عدم امکان اجرای اماره فراش. در مواردی که فقدان یکی از شرایط اماره فراش ثابت شود، برای مثال ثابت شود فرد خصی محبوب است و امکان تکوین طفل از او وجود ندارد، نفی ولد را بدون نیاز به لعان پذیرفته‌اند (حلی، ۱۴۲۵: ۷۰) و حتی برخی فقها آن را واجب شمرده‌اند (عاملی، ۱۴۲۵: ۳۷۷-۳۷۸؛ مروارید، ۱۴۱۰: ۵۱۴؛ خمینی، بی‌تا: ۳۰۸) یا شوهر را مخیر به پذیرش یا انکار ولد دانسته‌اند (بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۲؛ نجفی، ۱۳۶۶: ۲۲۴) و در مواردی که شرایط اماره فراش جاری باشد، انکار ولد را جز با لعان نپذیرفته‌اند (عاملی، ۱۴۲۵: ۳۸۱؛ نجفی، ۱۳۶۶: ۱۳؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۵؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۴۸۹؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۸۷؛ خمینی، بی‌تا: ۳۰۸؛ حلی، ۱۴۲۵: ۷۰؛ مروارید، ۱۴۱۰: ۶۶۲-۶۵۸). البته اذعان کرده‌اند که در این موارد فرد باید در مورد عدم الحاق طفل به خود با وجود اماره فراش به یقین رسیده باشد و به صرف شبهه و تردید نمی‌تواند لعان کند (نجفی، ۱۳۶۶: ۱۴؛ عاملی، ۱۴۲۵: ۳۸۱). در بین حقوق‌دانان نیز برخی با توجه به تحقق اماره فراش یا عدم آن، دعوی نفی ولد را به نفی ولد عام و خاص تقسیم کرده‌اند. دعوی نفی ولد عام که ناظر به تحقق نیافتن اماره فراش است بدون تشریفات خاص انجام می‌شود و رابطه پدر و فرزندی را قطع می‌کند و اعتبار حکم این دعوی مانع از آن است که پدر بتواند از ادعای خود دست برداشته و به نسب اقرار کند (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۹۴؛

معاونت قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۲۱) و دعوی نفی ولد خاص نیز مربوط به موردی است که اماره فراش تحقق یافته است که در این مورد برخی حقوق دانان با استناد به ماده ۱۳۲۳ ق.م. معتقدند در این مورد (اثبات خلاف اماره فراش و در نتیجه نفی ولد) محدودیتی به لحاظ دلیل در قانون مدنی وجود ندارد. پس در چنین مواردی (جاری بودن اماره فراش) تنها راه نفی ولد، لعان نیست (امامی، ۱۳۷۸: ۱۷۴؛ معاونت قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۲۲؛ کیلانه، ۱۳۸۷: ۱۶۳). برخی دیگر از حقوق دانان در پاسخ گفته‌اند درستی این شهرت (خلاف اماره فراش را به وسیله سایر دلایل می‌توان اثبات کرد) در مورد اماره وقوع نزدیکی بین زن و شوهر و فاصله آن تا تاریخ تولد تردیدناپذیر است. در ماده ۱۱۵۸ ق.م. نیز احراز این وقایع از شرایط تحقق اماره فراش است و این اشاره به روشنی می‌رساند که اختلاف درباره وقوع آنها را باید رسیدگی کرد. بنابراین اگر شوهر ثابت کند که با زن نزدیکی نکرده یا به سبب مسافرت و بیماری امکان آن را نداشته است و همچنین هرگاه معلوم شود که فاصله بین آخرین نزدیکی تا تاریخ تولد طفل بیش از ده ماه است، اماره فراش از اثر می‌افتد، ولی در مواردی که وقوع نزدیکی بین زن و شوهر مسلم است و طفل در فاصله بین ۶ تا ۱۰ ماه از آن به دنیا آمده و به عبارت دیگر، اماره فراش تحقق یافته، شوهر دیگر نمی‌تواند ادعا کند که نوزاد به او تعلق ندارد. بنابراین ماده ۱۳۲۳ پاسخ قاطعی در این باره نمی‌دهد؛ زیرا امکان اثبات خلاف اماره فراش با پذیرفته نشدن این ادعا که با وجود تحقق اماره فراش بتوان با هر دلیلی خلاف آن را ثابت نمود منافاتی ندارد. افزون بر این، پذیرفته نشدن نفی ولد در این موارد جز از راه لعان، علاوه بر تبعیت از فقه امامیه با حفظ ثبات خانواده و مصلحت آن سازگارتر است (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۶۸-۷۰) با این وجود، اکثر قریب به اتفاق حقوق دانان معتقدند در جایی که با یک دلیل قطعی مثل آزمایش خون بتوان ثابت کرد که فرزند به پدر منتسب نمی‌باشد، علی‌رغم تحقق اماره فراش، می‌توان ولو به غیر لعان نفی ولد نمود.

۲. دی ان ای و نفی نسب

یکی از کاربردهای آزمایش دی ان ای در پزشکی قانونی و تحقیقات حقوقی، بررسی رابطه ابوت و تشخیص نسب فرد است. پس بدیهی است به لحاظ ژنتیکی، چه به منظور اثبات و چه نفی این رابطه، می توان از این آزمایش کمک گرفت. پیش از پرداختن به حجیت آزمایش دی ان ای در نفی نسب به لحاظ فقهی و قانونی، ضروری است بدانیم اساساً در چه قطعیت این روش از نظر بیولوژیکی و در مقایسه با سایر روش ها، از جمله گروه های خونی فرعی و اصلی و HLA (که اگرچه در اثبات نسب دقیق نیستند ولی در نفی نسب به عنوان دلیل مطمئن مورد اعتمادند) به چه میزان است.

۱.۲. بررسی نحوه آزمایش دی ان ای در رد ابوت و میزان قطعیت آن

آزمایش دی ان ای بر مبنای تعیین و مقایسه توالی های اجزای تشکیل دهنده مناطق تکرارشونده از طریق روش های بررسی مولکولی از جمله: STR، RFLP و VNTR^۲ به تعیین رابطه ابوت بین افراد می پردازد. در واقع ملاک این بررسی، تشخیص تجانس بین پدر احتمالی و فرزند از طریق مقایسه تکرار توالی های بازها در دی ان ای دو فرد است. از این رو با تشخیص تجانس بین دو فرد (فرزند و پدر احتمالی و نیز در مقایسه با دی ان ای مادر) می توان نسبت به وجود رابطه ابوت بین آن دو حکم کرد و در صورت تشخیص عدم تجانس، به عدم وجود رابطه یا رد رابطه ابوت فرد ادعایی نظر داد. پس این آزمایش در رد ابوت روش متمایزی انجام آن در اثبات ابوت ندارد. اما به لحاظ میزان قطعیت آن در نفی نسب در مقایسه با اثبات نسب از قطعیت بیشتری برخوردار است تا آنجا که آن را قاطع در نفی نسب دانسته اند (کیلان، ۱۳۸۷:

1. Short Tandem Repeats.

برای مطالعه در این باره ر.ک: براون، ۱۳۸۶: ۴۲۲؛ توفیقی، ۱۳۷۸: ۱۰؛ النجار، ۲۰۰۴: ۱۵۷.

2. Restriction Fragment Length Polymorphism.

برای مطالعه در این باره ر.ک: نیوتن و گراهام، بی تا: ۲۱۲؛ پیتردی و الار، ۱۳۸۶: ۵۹۵-۵۹۶؛ سازمان پزشکی قانونی، ۱۳۷۳: ۲۹.

3. Variable Number of Tandem Repeats.

۱۶۴-۱۶۹؛ حکمت، ۱۳۶۶: ۱۴۴) و میزان قطعیت آن را ۱۰۰٪ بیان کرده‌اند؛ به گونه‌ای که در مورد توانایی آن در نفی نسب تقریباً هیچ شک و خطایی را لحاظ نمی‌کنند (بورقعه، ۱۴۲۸: ۳۲۷).

گفتنی است علاوه بر آزمایش دی ان ای در زمینه رد یا اثبات نسب، عوامل ژنتیکی دیگری نیز وجود دارد که در ۲۹ سیستم از مجموعه آن، خصوصیات لازم برای تشخیص رابطه ابوت می‌تواند مورد مطالعه قرار گیرد تا جایی که وقتی خصوصیات ژنتیک پدر مورد ادعا و فرزند در ۲۹ سیستم مذکور بررسی شود، امکان تشابه مرد دیگری با پدر $1/10^8$ یا یک درصد میلیون بوده و رد یا اثبات پدری به تقریب ۹۹۸ در هزار قطعی خواهد بود؛ البته با فرض اینکه در مطالعه از تمام سیستم‌های یاد شده استفاده شود، وگرنه نمی‌توان به طور ناقص معلومات حاصل را به کار گرفت. این سیستم‌ها عبارت‌اند از: [گروه‌های خونی (سیستم ,kell ,P ,Rh ,MNS ,ABO ,Duffy ,kidd و...) سیستم‌های ترشحات بزاقی (ترشح ABH، ترشح Lewis)، گروه‌های پروتئینی سرمی و آنزیمی و سیستم HLA] (قضایی، ۱۳۷۳: ۵۷-۵۹۳). اما در حال حاضر بر مبنای نتایج آزمایش‌ها و تحقیقات انجام شده می‌توان گفت با توجه به کارایی پایین این سیستم‌ها در رد ابوت (در مقایسه با آزمایش دی ان ای) و نیز هزینه‌های بالای خرید آنتی‌سرم‌های مورد نیاز و تجهیزات مورد نیاز و وقت‌گیر بودن مراحل (هرچه سیستم‌های بیشتری مورد مطالعه قرار گیرد، درصد خطا پایین‌تر خواهد بود و مطالعه بر روی تک‌تک سیستم‌ها وقت‌گیر خواهد بود) و خطاهای آزمایشگاهی آنها، انجام این آزمایش‌ها با توجه به در دسترس بودن آزمایش دی ان ای و قطعیت بالاتر آن، توجیه علمی و اقتصادی ندارد (صبوری، ۱۳۸۶: ۲۸).

۱. بورقعه، ۱۴۲۸/ق/۲۰۰۷م: ۳۲۷. به نقل از: السبیل، عمر بن محمد، البصمه الوارثیه و مدی مشروعیه استخدامها فی النسب و الجنایه، الرياض، دارالفضیله، ط ۱، ۲۰۰۲ م. صص ۱۳-۱۲. «أن الابحاث الطبیه التجربیه دلت علی ان نسبه النجاه فی اثبات النسب او نفيه یصل فی حاله النفی الی حد القطع ای بنسبه ۱۰۰٪، اما فی حاله الاثبات فانه یصل الی قریب من القطع و ذلک بنسبه ۹۹٪ تقریباً»

۲.۲. حجیت فقهی حقوقی دی ان ای در نفی نسب

بدیهی است در صورت کامل نبودن اماره فراش و اثبات آن، برای نفی نسب نیاز به تشریفات خاصی نیست و تنها انکار ولد از سوی پدر کفایت می‌کند، اما در جایی که اماره فراش جاری باشد، پرسش این است: با توجه به نتیجه قطعی آزمایش دی ان ای در تشخیص عدم وجود رابطه ابوت، آیا به لحاظ قانونی و شرعی می‌توان به نفی ولد بدون لعان اقدام نمود؟ جهت پاسخ به این پرسش، تحت نظر فقها و حقوق‌دانان را در مواردی که مطرح شده است بررسی می‌کنیم و سپس ادله موافقین و مخالفین را مورد توجه قرار داده و با عنایت به قوت و ضعف آنها به اظهار نظر و نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

فقه‌های متقدم متعرض نقش روش‌های جدیدی همچون دی ان ای در نفی نسب نشده‌اند، اما با توجه به کلام آنها در باب نفی ولد می‌توان مخالفت آنها را با پذیرش این روش‌ها جهت نفی نسب، در کنار لعان استنباط کرد؛ چراکه به اتفاق فقه‌های امامیه در شرایطی که اماره فراش کامل باشد، نفی نسب تنها از طریق لعان به عمل می‌آید (عاملی، ۱۴۲۵، ۳۸۱؛ نجفی، ۱۳۶۶: ۱۳) و (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۸۵؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۴۸۹؛ عاملی، ۱۴۱۰: ۱۸۷؛ خمینی، بی‌تا: ۳۰۸؛ حلی، ۱۴۲۵: ۷۰، مروارید، ۱۴۱۰: ۶۶۲-۶۵۸) و تعابیر ایشان گویای اعتقاد به حصر راه نفی نسب به لعان در صورت جاری بودن اماره فراش است. ایشان افزوده‌اند حتی در صورت تحقق زنا، فرزندان از صاحب فراش، جز به لعان نفی نمی‌شوند (خمینی، بی‌تا: ۳۰۸؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۱۳؛ نجفی، ۱۳۶۶: ۲۳۲).

در مورد نظر فقه‌های معاصر، مرکز تحقیقات فقهی بر مبنای استفتائاتی که از مراجع عظام انجا شده است، در پاسخ این پرسش که آیا نتیجه آزمایش‌های ژنتیکی فعلی از نظر شرعی می‌تواند مستند و دلیل بر اثبات و نفی گردد یا خیر؟ آورده است:

«باتوجه به استفتائات انجام شده توسط این مرکز در موارد مشابه از مراجع عظام، اکثر آنان اظهار داشته‌اند آزمایش‌های دقیق علمی به عنوان دلیل اثبات نسب حجیت ندارند، مگر اینکه موجب حصول علم شوند» (معاونت قوه قضائیه، ۱۳۸۸: ۹۰) و در ادامه به عنوان شقوق دیگر مسئله که ظاهراً مورد نظر مرجع پرسش‌کننده نبوده مطرح کرده است:

«در صورت وجود علقه زوجیت دائم و وقوع نزدیکی و تولد طفل در فاصله بین اقل و اکثر مدت حمل (شش ماه تا ده ماه) قاعده فراش جاری است و حکم مسئله همان است که در مواد ۱۱۵۸ تا ۱۱۶۰ قانون مدنی آمده که مطابق موازین فقهی وضع گردیده است و به طور خلاصه، الحاق طفل به فراش و شوهر، شرعاً و قانوناً ثابت است و نیاز به دلیل ندارد و نفی ولد نیز جز به طریق لعان ممکن نیست و نظریه پزشک قانونی و آزمایش‌های ژنتیکی در این مورد حجیت ندارد؛ اما اگر شرایط فراش محقق نباشد، ادعای نفی ولد زوج پذیرفته می‌شود و در این فرض چون شرعاً و قانوناً طفل ملحق به زوج نیست، صرف نفی ولد توسط زوج کافی است و نیاز به لعان یا انجام آزمایش‌های ژنتیکی جهت نفی ولد نیست».

در مقابل، برخی فقهای معاصر (المحسنی، ۱۴۱۴: ۲۳۶)^۱ که به صراحت به این بحث پرداخته‌اند، معتقدند با امکان تحصیل علم به صحت نسب یا بطلان آن از طریق اماره علمی، مجالی برای لعان باقی نمی‌ماند و اذعان نموده‌اند که اثر لعان دفع حد یا نفی ولد تبعیدی است و اساساً با وجود علم، موضوعی برای تعبد نمی‌ماند. بنابراین آزمایش دی ان ای و مانند آن طرق علمی هستند که با تشریح لعان که مختص فرض جهل به واقع است، تعارض و منافاتی ندارند. هرچند مبنای ما در تحقیق پیش رو فقه امامیه و حقوق ایران است، ولی با توجه به اینکه فقها و نویسندگان معاصر اهل سنت در کتاب‌های و مقاله‌های متعددی متعرض بحث دی ان ای و نقش آن در اثبات و نفی نسب شده‌اند، توجه به دیدگاه‌ها و ادله آنها در این زمینه تا جایی که مخالف مبانی فقه امامیه نباشد، خالی از لطف نخواهد بود. در زمینه پرسش مورد بررسی، فقهای اهل سنت به دو گروه تقسیم می‌شوند: بسیاری از فقهای اهل سنت، از جمله محیی‌الدین القره داغی، عبدالستار فتح اله سعید، محمدالأشقر، هبه الزحیلی و عمر السبیل معتقدند نسب شرعی ثابت شده از طریق اماره فراش، جز با لعان نفی نمی‌شود و مقدم کردن آزمایش دی ان ای بر آن جایز نیست (عبدالرشید، ۱۴۲۵: ۶۷؛ بورقعه، ۱۴۲۸: ۳۷۲-۳۷۵). افزون بر این، در حکم مجمع فقهی اسلامی مکه نیز آمده است: «شرعاً اعتماد بر آثار ژنتیکی (دی ان ای) در نفی نسب و تقدیم آن بر لعان جایز نیست» (عبدالرشید، ۱۴۲۵: ۶۷). دسته دیگر معتقدند با وجود یقین از

۱. «مع امکان تحصیل العلم بصحة النسب او بطلانه باماره العلمیه لایبقی مجال للعان».

نفی نسب به واسطه آزمایش دی ان ای نیاز به لعان نیست و اتکاء به نتایج آزمایش دی ان ای در این زمینه کفایت می‌کند (النجار، ۲۰۰۴: ۲۰۴؛ بورقعه، ۱۴۲۸: ۳۷۵-۳۷۶؛ صالح، ۱۴۲۹: ۱۳۰؛ کیلانه، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

در مورد آراء حقوق‌دانان نیز می‌توان گفت: بیشتر حقوق‌دانان (امامی، ۱۳۷۸: ۱۷۴) و (معاونت قوه قضائیه، ۱۳۸۷: ۲۲؛ کیلانه، ۱۳۸۷: ۱۶۳) اذعان داشته‌اند بر خلاف فقه امامیه که معتقد است در صورت کامل بودن اماره فراش تنها از طریق لعان می‌توان نفی ولد نمود، در قانون مدنی با توجه به ماده ۱۳۲۳، محدودیتی به لحاظ دلیل در نفی نسب (اثبات خلاف اماره فراش) وجود ندارد و از این رو با استفاده از هر دلیلی می‌توان خلاف اماره فراش را ثابت نمود و در ذیل این ادله به آزمایش‌های پزشکی اشاره کرده‌اند. برخی (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۶۸-۷۱) نیز با وجود اینکه استدلال خوبی در مورد استفاده از ماده ۱۳۲۳ ق م مبنی بر محدوده و معنای اثبات خلاف اماره فراش ارائه کرده و گفته‌اند که حفظ ثبات خانواده با نظر فقها مبنی بر حصر نفی نسب از طریق لعان در صورت جاری بودن اماره فراش سازگارتر است، ولی گرایش حقوق‌دانان به پذیرش دلایل مخالف اماره فراش را از جهات علمی قابل دفاع دانسته‌اند.

۳.۲. ادله مورد استناد نظریه عدم پذیرش حجیت آزمایش دی ان ای در نفی نسب

فقهایی که قائل به عدم تقدم آزمایش دی ان ای بر لعان هستند و به عبارتی با نفی نسب از طریق دی ان ای در فرض جاری بودن اماره فراش مخالف‌اند، برای این مخالفت خود دلایلی ذکر کرده‌اند:

۱. حکم شرعی لعان از طریق قرآن، سنت و اجماع ثابت شده و حکمی تبعیدی است. پس این آزمایش‌ها نمی‌توانند با الغای لعان، جای این حکم شرعی را بگیرند (بورقعه، ۱۴۲۸: ۳۷۳؛ النجار، ۲۰۰۴: ۲۰۲). به سخن دیگر، تقدیم نتایج این آزمایش‌ها بر لعان و استناد به آنها برای نفی نسب، به تعطیل این حکم شرعی می‌انجامد (صالح، ۱۴۲۹: ۱۲۹-۱۳۱).

۱. البته بیشتر این دلایل را فقهای اهل سنت که با صراحت و تفصیل بیشتری متعرض این بحث شده‌اند در ذیل مباحث خود آورده‌اند. از این رو تا آنجا که دلایل آنها مخالف مبانی فقه امامیه نباشد، استناد به آنها کاربردی و قابل تأمل خواهد بود.

۲. آزمایش DNA فقط وجود نسب یا انتفای آن (رابطه ابوت) را ثابت می‌کند ولی لعان آثار دیگری غیر از انتفای ولد از جمله رفع حد قذف و زنا را نیز به دنبال دارد؛ در حالی که این آثار بر نتایج حاصل از دی ان ای مترتب نیست (بورقعه، ۱۴۲۸: ۳۷۳؛ کیلانه، ۱۳۸۷: ۱۷۱).
۳. با وجود تعیین یک طریق شرعی (لعان) که حتی در مواقع حیرت و عدم توان اثبات ادعا می‌توان به آن تاسی جست نیازی به استفاده از یک راه دیگر نیست (النجار، ۲۰۰۴: ۲۰۴).
۴. شارع با توجه به ظرافت‌ها و پیامدهای منفی ناشی از نفی نسب، شرایط لعان را به گونه‌ای طراحی کرده است که جز به اضطرار به آن روی نیاورند (با توجه به تکرار ۴ بار قسم از سوی زوجین و آثار حقوقی ناشی از لعان)؛ در نتیجه مقدم داشتن آزمایش دی ان ای بر لعان، در تقابل با این نحوه عملکرد شارع است (النجار، ۲۰۰۴: ۲۰۳).
۵. حجیت بخشیدن به این آزمایش‌ها در نفی نسب به جای لعان، نوعی فتح باب برای فساد و شر است؛ به گونه‌ای که با این وصف، هرکس به صرف کوچک‌ترین شبهه نسبت به همسر و فرزندش به نفی نسب از طریق این آزمایش‌ها می‌شتابد و در نتیجه اعتماد حاکم بر خانواده کم‌رنگ می‌شود (صالح، ۱۴۲۹: ۱۳۱).
۶. با توجه به آیه ۵۹ سوره نساء^۱ در موارد نزاع باید به حکم خدا و رسول مراجعه کرد. در مورد نفی نسب نیز بر اساس قرآن و روایات، لعان طریق شرعی است؛ بنابراین لعان حکمی الهی است؛ در حالی که آثار ناشی از آزمایش‌های ژنتیکی مورد اختلاف است و دلیلی بر پذیرش آن وجود ندارد. پس تقدیم لعان در اولویت است (صالح، ۱۴۲۹: ۱۳۱)

۴.۲. ادله مورد استناد نظریه پذیرش حجیت آزمایش دی ان ای در نفی نسب

موافقان با استناد به آزمایش‌های ژنتیک در نفی نسب معتقدند با وجود این گونه آزمایش‌ها نیازی به لعان نیست و دلایلی را ارائه کرده‌اند که در ذیل مطرح می‌کنیم.

۱. «فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول...».

۱) بر مبنای آیه ۶ سوره نور در مورد لعان می‌توان گفت، استناد به لعان با توجه به این آیه (... و لم یکن لهم شهداء لأنفسهم...) زمانی است که شهودی جز خود زوج وجود نداشته باشد، اما وقتی که امکان دسترسی زوج به بینه‌ای مثل آزمایش دی ان ای وجود دارد که نوعی شاهد محسوب می‌گردد، موجبی برای لعان نیست. البته در اعتراض به این دلیل گفته شده است که نمی‌توان اعتبار این آزمایش را به عنوان یک شاهد پذیرفت. اگر آیه، کلمه "بینه" را به کار می‌برد شاید به نحوی امکان استناد به این توجیه وجود داشت، ولی لفظ آیه "شهادت" است (بورقعه، ۱۴۲۸: ۳۷۶-۳۷۷). در مقابل گفته شده است که قرینه قطعی، قائم مقام شهادت در ثبوت حد است (بورقعه، ۱۴۲۸: ۳۷۶-۳۷۷).

۲) نتایج آزمایش دی ان ای در حالت نفی نسب قطعی و در حالت اثبات شبه قطعی است که مستند به قواعد علمی و ثابت شده و مورد اتفاق دانشمندان علم ژنتیک است (صالح، ۱۴۲۹: ۱۳۰). بنابراین با وجود علم نوبت به لعان نمی‌رسد. به سخن دیگر، با وجود اماره علمی مجالی برای تمسک به لعان به عنوان یک دلیل تبعیدی باقی نمی‌ماند و این مسئله با تشریح لعان که متضمن فرض جهل به واقع است، تعارض و منافاتی ندارد (المحسینی، ۱۴۱۴: ۲۳۶).

۳. نظریه برگزیده

دلایل مورد استناد نظریه پذیرش حجیت دی ان ای در نفی نسب قابل مناقشه است. در مورد دلیل اول بر مبنای آیه نمی‌توان آزمایش دی ان ای را تحت این عنوان که قرینه قطعی، قائم مقام شهادت در ثبوت حد است نوعی شاهد به‌شمار آورد؛ چرا که حد با قرائن ثابت نمی‌شود. در اشکال به دلیل دوم نیز می‌توان گفت، به موجب ادله معتبر و فتاوی‌ای فقها، چنانکه اشاره شد، استناد به لعان نیز در صورتی است که لاعن علم قطعی به نفی ولد داشته باشد و یا دست‌کم در جهل مرکب باشد؛ زیرا به صرف ظن یا گمان نمی‌توان از، لعان استفاده کرد. پس

۱. «آنان که همسران خود را به زنا متهم می‌کنند و گواهی‌های جز خویشتن ندارند هر یک از آنها باید به نام خدا قسم بخورند که از راستگویان است» (نور: ۶).

لعان مربوط به جایی است که علم وجود دارد (پاسخ منفی آزمایش دی ان ای نیز در نهایت برای همسر ایجاد علم مبنی بر عدم انتساب فرزند به او می‌کند و در نتیجه برای نفی باید لعان کند). افزون بر این، علت بسیاری از احکام الهی صرفاً علم نیست، بلکه علت‌ها و فلسفه‌های دیگری در ورای احکام وجود دارد (که به لحاظ محدودیت علمی در زمان غیبت امام امکان آگاهی به آنها نیست). همچنان که برای مثال در اثبات حد زنا با کمتر از چهار بار اقرار علی‌رغم ایجاد علم، حد ثابت نمی‌شود. در مقابل، ادله مورد استناد نظریه عدم پذیرش حجیت آزمایش دی ان ای در نفی نسب قابل دفاع است؛ چرا که لعان به عنوان حکمی الهی در قرآن و سنت آمده است که در فرض جاری بودن اماره فراش و یقین شوهر به عدم انتساب فرزند به او، هر چند نتواند آن را اثبات کند، مقرر شده است و حتی در صورت نتیجه آزمایش دی ان ای مبنی بر عدم انتساب فرزند به شوهر، در این فرض نیز برای نفی ولد باید لعان نمود؛ چراکه ظاهر اماره همچنان جاری است و قائل شدن به تقدم آزمایش دی ان ای بر لعان موجب تعطیل و عبث بودن این حکم شرعی شده که از شارع بعید است. از سوی دیگر، لعان آثاری از جمله رفع حد، نفی ولد و جدایی بین زن و شوهر را به دنبال دارد و شوهر با توجه به این آثار به لعان اقدام می‌کند و چه بسا این آثار باعث می‌شود که فرد با احتیاط بیشتری به آن اقدام کند و در نتیجه بنیان اعتماد و آرامش به عنوان ارکان اساسی خانواده حفظ می‌شود؛ درحالی که آزمایش دی ان ای فاقد این آثار است و تکلیفی را به لحاظ شرعی در این موارد تعیین نمی‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد تنها ادله نظریه عدم پذیرش حجیت آزمایش دی ان ای با فلسفه تشریح لعان که به حل مسأله‌آميز منازعات خانوادگی در مواردی اینچنین کمک می‌کند سازگار است. از این رو نویسنده قائل به نظریه عدم پذیرش حجیت آزمایش دی ان ای در نفی نسب است.

نتیجه

برای جمع‌بندی و گزینش نظر راجح، توجه به چند مسئله ضروری است. نخست توجه به دیدگاه کلی شارع نسبت به نفی نسب با توجه به راه‌ها و ادله استنادی و مقایسه آن با اثبات نسب است. در مورد اثبات نسب، شارع از ضعیف‌ترین ادله مانند قرعه - به اذعان خود فقها - استفاده کرده است و برای جلوگیری از ادعاهای واهی و هرج و مرج در نظام خانواده، اماره

فراش را بر مبنای حدیث نبوی، در نظر گرفته که صاحب فراش را از استناد به ادله دیگر در اثبات نسب فرزند خویش کفایت می‌کند؛ دیدگاهی که توجه شارع به اهمیت حفظ حریم خانواده و نسب را می‌رساند. در بحث اثبات نسب با استناد به طریقت ادله اثبات و عدم وجود دلیلی، مبنی بر انحصار ادله و با توجه به حجیت قطع و استناد به علم عرفی، استناد به راه‌های قطعی چون آزمایش دی ان ای را می‌توان مورد پذیرش قرارداد ولی در نفی نسب مسئله متفاوت است؛ چرا که شارع با عنایت به حساسیت و ظرافت حفظ حریم خانواده و پیامدهای منفی نفی ولد و در مظان اتهام قرار گرفتن مادر و غیره با احتیاط بیشتر و به نوعی حصرگرا (بر خلاف اثبات نسب) عمل نموده است؛ به گونه‌ای که در مورد نفی ولد با وجود اماره فراش، جز از طریق لعان بنا به اتفاق علمای امامیه و جز با یقین به انتفاء نمی‌توان اقدام کرد (پبله، ۱۳۹۰: ۱۱۳-۱۰۸). این نکته را می‌توان مورد توجه کسانی (المحسینی، ۱۴۱۴: ۲۳۶) قرار داد که اذعان داشته‌اند، با حصول علم جایی برای عمل به لعان که در فرض جهل به واقع پیش‌بینی شده است نمی‌ماند؛ چرا که بنا به تصریح فقها، به صرف شبهه نمی‌توان اقدام به لعان کرد (پبله، ۱۳۹۰: ۱۱۲). نکته دیگر اینکه، لعان مربوط به جایی است که امکان ظاهری الحاق ولد به واسطه اماره فراش فراهم باشد؛ در جایی که با آزمایش دی ان ای ثابت شود که فرزند از آن پدر ادعایی نیست، این امکان ظاهری همچنان پابرجاست (نجفی، ۱۳۶۶: ۱۴؛ اصفهانی، ۱۴۰۴: ۲۹۳).

با پذیرش حجیت نتیجه آزمایش دی ان ای در نفی نسب، دیگر جایی برای استناد به حکم لعان که حکمی الهی است باقی نمی‌ماند؛ در حالی که لعان آثاری را در پی دارد که نتیجه آزمایش دی ان ای فاقد آن است. پس کنار گذاشتن این حکم و استناد به علم حاصل از آزمایش دی ان ای، بی‌گمان مفسده‌های بسیاری به همراه خواهد داشت. بهتر است بیافزاییم که برخی حقوق‌دانان نیز علی‌رغم استناد به ماده ۱۳۲۳ ق.م. و باز بودن راه استناد به طرق دیگر برای نفی ولد، اشاره کرده‌اند از نظر تبعیت از فقه و مصلحت طفل بجا است نفی ولد را به موارد مذکور در فقه امامیه محدود کنیم (صفایی، ۱۳۸۴: ۲۹۳). بنابراین با توجه به موارد نامبرده (و توجه به دلایل مخالفین) و حساسیت مسئله نفی ولد و حفظ حریم خانواده و اتفاق علمای امامیه به

حصری بودن راه نفی ولد به لعان در صورت کامل بودن اماره فراش، نویسنده قائل به عدم پذیرش حجیت آزمایش دی ان ای در نفی نسب در صورت جاری بودن اماره فراش است؛ چرا که اساساً در بُعد قانون‌گذاری و بررسی حقوقی نیز نمی‌توان در چنین موضوع حساسی با توجه به پیامدهای منفی آن (نفی ولد از راهی همچون آزمایش دی ان ای) به نتیجه این آزمایش وجهه قانونی داد و حکم الهی لعان را کنار گذاشت و در واقع راه جدیدی برای تسریع در نفی ولد ایجاد کرد؛ در حالی که فاقد آثار لعان و در تعارض با فلسفه تشریح این حکم الهی است.



منابع

- آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۸)، فرهنگ معاصر عربی به فارسی بر اساس فرهنگ عربی به فارسی هانس ور، چاپ دهم، تهران: نشرنی.
- اصفهانی، مجلسی دوم، محمدباقرین محمدتقی (۱۴۰۴)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، ج ۲۰، چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- امامی، اسدا... (۱۳۴۹)، *مطالعه تطبیقی نسب در حقوق ایران و فرانسه*، مجموعه تطبیقی ش ۵، تهران: چاپخانه موسوی.
- امامی، سیدحسن (۱۳۷۸)، *حقوق مدنی*، ج ۵، تهران: انتشارات اسلامیه.
- انصاری، حسین (۱۳۸۷)، *اثبات نسب از طریق DNA*، مرکز فقهی ائمه اطهار، ص ۱۷-۱.
- بحرانی، یوسف (۱۴۱۳)، *الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، ج ۲۵، چ سوم، بیروت: دارالاصواء.
- براون، ترانس اوستن (۱۳۸۶)، *کلون سازی ژن ها و آنالیز DNA*، ترجمه طباطبایی یزدی و سایرین، چاپ اول، تهران: نشرخانه زیست شناسی.
- بروجردی، محمدعبده (۱۳۸۳)، *کلیات حقوق اسلامی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بورقهه، سفیان بن عمر (۲۰۰۷/۱۴۲۸)، *النسب و تأثیر المستجدات العلمیه فی اثباته*، چاپ اول، الرياض: دارکنوز اشبیلیا.
- پیتردی. ترن پنی، سیان الارد (۱۳۸۶)، *اصول ژنتیک پزشکی امری*، ترجمه محمد رضا نوری دلویی، چاپ اول، تهران: نشر جامعه نگر.
- پیله، اعظم (۱۳۹۰)، *نقش DNA در اثبات نسب در فقه و حقوق*، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه تهران، پردیس قم.
- توفیقی حسن و سایرین (۱۳۷۸)، *کارایی DNA Typing به عنوان روشی قطعی در تعیین رابطه نسبی*، مجله علمی پزشکی قانونی، سال پنجم، ش ۱۸، ص ۱۲-۱۰.

- حرالعاملی، شیخ محمدحسن (۲۰۰۳/۱۴۲۴)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۲۱، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسینی روحانی، سیدمحمدصادق (۱۴۱۴)، فقه الصادق علیه السلام، ج ۲۲، چاپ سوم، قم: مؤسسه دارالکتاب.
- حکمت، سعید (۱۳۶۶)، پزشکی قانونی و اخلاق پزشکی، چاپ دوم، تهران: دفتر انتشارات و تامین منابع درسی.
- خمینی، سیدروح اله (بی تا)، تحریر الوسیله، ج ۲، چاپ اول، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- خوبی، ابوالقاسم (بی تا)، منهاج الصالحین، ج ۳، قم: مدرسه امام محمد باقر علیه السلام.
- سعادت، صالح (۶۷-۶۶)، نگاهی نوبه حکم لعان، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۷۳-۲۵۱.
- شیخ انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۱۵)، کتاب النکاح، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- صبوری، علیرضا و حمیده یادگاری (۱۳۸۶)، مقایسه کارآیی گروههای اصلی و فرعی خونی با *DNA Typing* در رد- رابطه پدر- فرزندی، مجله علمی پزشکی قانونی، دوره ۱۳، ش ۱، ص ۲۹-۲۵.
- صفایی، سیدحسین و اسداله امامی (۱۳۸۴)، مختصر حقوق خانواده، چاپ نهم، تهران: نشر میزان.
- طارق صالح یوسف عزام (۲۰۰۹/۱۴۲۹)، اثر الطب الشرعی فی اثبات الحقوق و الجرایم، چاپ اول، الاردن: للنشر دارالفنائس.
- طباطبائی، سیدعلی بن محمد (۱۹۹۲/۱۴۱۲)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، ج ۱۰، چاپ اول، بیروت: دارالهادی.
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۷۸)، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۵، چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضوية لاحیاء الاثار الجعفرية.

- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی-کلاتر)*، ج ۶، کتابفروشی داوری.
- _____ (۱۴۲۵)، *مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام*، ج ۸، چاپ سوم، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- عبد الرشید، محمدامین قاسم (۱۴۲۵)، *البصمه الوارثیه وحجینها*، مجله العدل، ش ۲۳، ص ۷۸-۵۲.
- قضایی، صمد (۱۳۷۳)، *پزشکی قانونی*، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸)، *حقوق مدنی*، خانواده، ج ۲، تهران: بهمن برنا.
- _____ (۱۳۷۳)، *کاربرد تجزیه DNA در تعیین ابوت*، مجله علمی پزشکی قانونی، سال اول، ش اول، تهران: سازمان پزشکی قانونی، ص ۳۱-۲۸.
- کلایو نیوتن و الکس گراهام (بی تا)، *واکنش زنجیره ای پلی مر از PCR*، ترجمه شهریار فرج الله و عباسعلی امام جمعه، چاپ اول، مشهد: نشر دانشگاه امام رضا (علیه السلام).
- گویلی کیلانه (۱۳۸۷)، *طرق اثبات نسب در فقه شافعی و حقوق مدنی ایران*، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- المحسنی، محمد آصف (۱۴۱۴)، *الفقه و مسائل طبیه*، ج ۲، قم: بوستان کتاب.
- محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۳۸۳/۱۴۲۵)، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج ۳، چاپ سوم، قم: دارالتفسیر.
- مروارید، علی اصغر (۱۴۱۰)، *سلسله الینایع الفقهیة*، ج ۱۹، چاپ ۱، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه الدارالاسلامیه.
- معاونت آموزشی قوه قضائیه [اداره کل برنامه ریزی و تدوین متون آموزشی] (۱۳۸۷)، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادگاه های خانواده، ج ۵، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.
- معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، (مرکز تحقیقات فقهی) (۱۳۸۸)، *مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور حقوقی*، ج ۳، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.

- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۵)، *فقه الامام جعفر صادق علیه السلام عرض واستدلال*، ج ۶، چاپ ششم، قم: مؤسسه انصاریان.
- النجار مصلح بن عبدالحی (۲۰۰۴)، *البصمه الوراثیه فی الفقه الاسلامی*، مجله البحوث الفقہیہ المعاصره، ش ۶۵، ص ۲۲۹-۱۴۰.
- نحوی سعیده (۱۳۸۴)، *وضعیت حقوقی اطفال نامشروع در حقوق ایران و فرانسه*، دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۶)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۳۱ و ج ۳۴، چاپ دوم، تهران: انتشارات المکتبه الاسلامیه.
- نجفی یزدی، سیدمحمد (۱۳۸۵/۱۴۲۸)، *الاحوال الشخصیه*، ج ۱، قم: منشورات مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۹ ه.ق)، *مستند الشیعه*، ج ۱۶، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لاحیاء التراث.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی